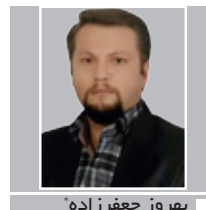


نگاهی به مفهوم تغییرات ساختاری در فرآیند توسعه؛

توازن شاخص‌های کلان در مسیر بهره‌وری



بهروز جعفرزاده

نسبت به کالاهای کشاورزی و صنعتی گران‌تر می‌کند، به علاوه سهم خدمات در GDP افزایش می‌یابد.

همچنین مکانیزاسیون پایین‌تر خدمات توضیح می‌دهد که چرا اشتغال در بخش خدمات به رشد ادامه می‌دهد در حالی که اشتغال در کشاورزی و صنعت نزولی است؛ زیرا پیشرفت‌های تکنولوژیکی بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهند و شغل‌ها را حذف می‌کنند. سرانجام بخش خدمات جایگزین بخش صنعت به‌عنوان بخش برجسته‌ی اقتصاد می‌شود.

بنابراین، تغییرات ساختاری در فرآیند توسعه‌ی اقتصادی به مفهوم تغییر توازن اجزای مهم شاخص‌های کلان اقتصاد، مانند تولید، تجارت، ترکیب تقاضا، و اشتغال بین سه بخش اصلی اقتصاد است.

لازم به ذکر است که در کنار عوامل سنتی تعیین‌کننده‌ی رشد، مانند نیروی کار، سرمایه (انسانی و فیزیکی) و فناوری، تغییر ساختاری به‌عنوان یک عامل بالقوه رشد در نظر گرفته می‌شود، اما تغییرات ساختاری هنگامی می‌تواند یک منبع بالقوه برای رشد اقتصادی باشد که به بهره‌برداری کامل‌تر و بهتر از منابع منجر شود.

مطالعات در این زمینه، مبین آن است که تغییرات ساختاری در اقتصاد ایران، به‌عنوان کشوری در حال گذار، در ظاهر صورت گرفته است.

بدین معنا که ترکیب و توازن شاخص‌های کلان بین بخش‌های سه‌گانه‌ی اقتصاد دستخوش تغییر شده است، اما این تغییرات منجر به بهره‌وری بیشتر در اقتصاد نشده است؛ که دلیل آن را می‌توان در مشکلات ساختاری و ریشه‌ای اقتصاد در سطح کلان دانست. لذا برای حصول تغییرات ساختاری همراه با رشد، بایستی چاره‌ای برای برداشتن موانع تغییرپذیری و تسهیل انجام این‌گونه تغییرات (به‌خصوص در بازار کار) در اقتصاد وابسته به نفت ایران اندیشید.

عضو هیأت علمی دانشگاه غیرانتفاعی فرهیختگان کرمان
دانشجوی دوره دکتری علوم اقتصادی دانشگاه یزد

هر چیزی که رشد می‌کند، ساختارش نیز تغییر می‌کند. مثلاً وقتی یک درخت در حال رشد است، شکل، اندازه و ترتیب و طرز قرار گرفتن شاخه‌هایش پیوسته تغییر می‌کند.

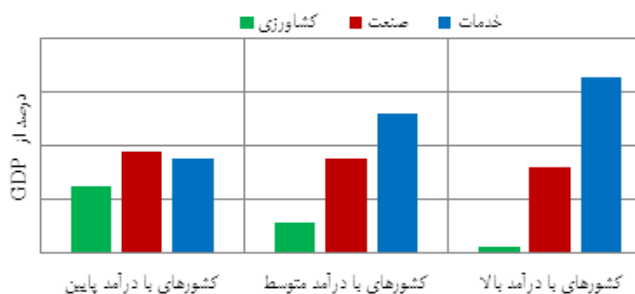
در یک اقتصاد در حال رشد نیز تناسب و روابط متقابل بین بخش‌های اصلی آن (کشاورزی، صنعت و خدمات)، روستانشینی و شهرنشینی، بخش عمومی و خصوصی، تولید برای داخل و تولید به‌منظور صادرات و ... تغییر

می‌کند.

یک راه برای درک ساختار اقتصاد مقایسه سهم سه بخش اصلی کشاورزی، صنعت و خدمات از تولید کل (نمودار ۱) و اشتغال کشورهاست. در آغاز، کشاورزی یک بخش بسیار مهم یک کشور در حال توسعه است.

اما هنگامی که درآمد سرانه افزایش می‌یابد، بخش کشاورزی برتری‌اش را از دست می‌دهد، و ابتدا این ویژگی به بخش صنعت رسیده و موجب برتری این بخش می‌شود و سپس بخش خدمات برتری می‌یابد. این دو تغییر جهت و دگرگونی متوالی، صنعتی شدن و فراصنعتی شدن (یا صنعت‌زدایی) نامیده می‌شوند.

تمام اقتصادهای در حال رشد به احتمال زیاد این مراحل را طی می‌کنند، که می‌تواند توسط تغییرات تقاضای مصرف‌کننده از محصولات سه بخش اصلی اقتصاد و در بهره‌وری نسبی نیروی کار سه بخش اصلی اقتصاد توضیح داده شود.



زمانی که درآمد مردم افزایش می‌یابد، تقاضای آنها برای خوراک (تولید اصلی بخش کشاورزی) نیاز طبیعی آنها را مرتفع می‌کند، و آنها شروع به تقاضای به‌طور نسبی بیشتر کالاهای صنعتی می‌کنند. در همان زمان، چون به دلیل تکنیک‌ها و ماشین‌آلات جدید کشت، بهره‌وری نیروی کار در کشاورزی سریع‌تر از صنعت افزایش می‌یابد، تولیدات کشاورزی را به‌طور نسبی ارزان‌تر می‌کند و علاوه بر این از سهم بخش کشاورزی در GDP می‌کاهد.

روند مذکور در بهره‌وری نیروی کار نیاز به کارگران کشاورزی را می‌کاهد، و فرصت برای اشتغال در صنعت رشد می‌کند. در نتیجه تولید صنعتی سهم بالاتری از GDP را نسبت به کشاورزی به‌دست می‌آورد و اشتغال در صنعت غالب می‌شود. هنگامی که درآمدها به افزایش ادامه می‌دهند، نیازهای مادی مردم کمتر می‌شود و آنها شروع به تقاضای بیشتر خدمات (بهداشت، آموزش، سرگرمی و بسیاری زمینه‌های دیگر) می‌کنند. ضمناً، بهره‌وری نیروی کار در خدمات، به‌سرعت کشاورزی و صنعت رشد نمی‌کند، زیرا بیشتر شغل‌های خدمات نمی‌توانند توسط ماشین‌ها پر شوند. این امر خدمات را

